



مقام معظم رهبری:

افزایش فرزند باید به صورت یک فرهنگ دریابد

گروه سیاست: به مناسبت یکم ذی‌الحجه، سالروز ازدواج حضرت علی علیه‌السلام و حضرت زهرا سلام‌الله‌علیه‌ها، پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را که در دیدار جمعی از زوج‌های جوان....

صفحه ۲

سه‌شنبه ۱۵ مرداد ۱۳۹۸ | ۴ ذی‌الحجه ۱۴۴۰ | ۶ آگوست ۲۰۱۹

تئرها

اطلاعات نجومی‌بگیران در جیب حسابداران

صفحه ۵

وضعیت ازدواج در ایران بحرانی نیست

صفحه ۱۳

حمله سعید جلیلی به رئیس‌دولت‌اصلاحات

نامه ۲۰۰۳ چه بود؟

صفحه ۲

اردوغان از حمله قریب‌الوقوع به شرق فرات خبر داد

صفحه ۷

وریا؛ از زمین سبز تا زبان سرخ

صفحه ۱۴

چرا ایران را دوست داریم؟ عمادالدین باقی

صفحه آخر



حرف اول

پزشکی و پزشکان

حسین کرمانپور



۱- پزشکی مثل خلبانی است! ازدیاد تعداد خلبان لاجرم پرواز بیشتر و ارزان‌تری را موجب نمی‌شود. خلبان، برای پرواز هواپیما می‌خواهد، فرودگاه می‌خواهد و کادر پرواز می‌خواهد! پزشک هم بیمارستان می‌خواهد، امکانات می‌خواهد، پرستار می‌خواهد و... پزشک اگر دو یا حتی پنج برابر شود، آنها که چیزهای بالا در اختیارشان هست، می‌مانند و آنها که این چیزها را ندارند، شغل دیگری برمی‌گزینند یا از کشور می‌روند یا راهی برای افزایش درآمد پیدا می‌کنند که جیب دکتر را تأمین کند؛ اما سلامت را به خطر می‌اندازد. حالا باز با شعار عدالت و مساوات عده‌ای موضوع را پیچیده نکنند!

۲- طبق قانون نوشته و نانوشته همه مشاغلی که درآمد حاصل می‌کنند، باید مالیات بپردازند. پزشک اگر چه چیزی نمی‌فروشد؛ اما در قبال خدمات پول دریافت می‌کند؛ چه در مطب، چه در بیمارستان! پیچیده‌اش نکنیم. به‌عنوان یک شغل مترقی و به‌روز در صف پرداخت مالیات جلوی صف قرار بگیریم و حتی سبقت بگیریم؛ اگرچه می‌دانیم جو آپارتایدی، خیل عظیم و غول‌پیکری را که مالیات پرداخت نمی‌کنند، از چشم رسانه‌ها غایب می‌کند و پزشکانی را که عمری است مالیات می‌دهند، شفاف‌تر می‌کند.

۳- لازم نیست پیچیده بیندیشیم! پزشکی جزء معدود مشاغلی است که دست‌کم هشت برابر آنچه پس از یک سال می‌گیرد، به درآمد دولت و مملکت می‌افزاید؛ یعنی یک جراح اگر ۵۰ میلیون می‌گیرد (امروز)، دست‌کم ۷۵ تا صد میلیون یک سال قبل نقداً و علی‌الحساب بیمه‌ای به حساب بیت‌المال واریز کرده است. امروز بدون هیچ ارزش افزوده‌ای همان عددی را می‌گیرد که یک سال قبل طلبکار بوده است. چیز پیچیده‌ای نیست، اگر بگوییم همه ما از بانک‌ها وام دریافت کرده‌ایم و خدا نکند بازپرداخت آن چند روز دیر شود که علاوه بر سود سرسام‌آوری که می‌گیرند، جرمیه‌ای مضاعف نیز بر آن می‌افزایند.

۴- باز پیچیدگی ندارد، اگر بگوییم در هر شغلی آدم خوب هست، آدم بد نیز هست؛ اما در پزشکی تکبر بیجای بعضی همکاران من، باعث شده رسانه‌ها و مردم به‌سادگی تکبر را نشانه بدی ببینند و خدمت را کم‌رنگ‌تر نکنند.

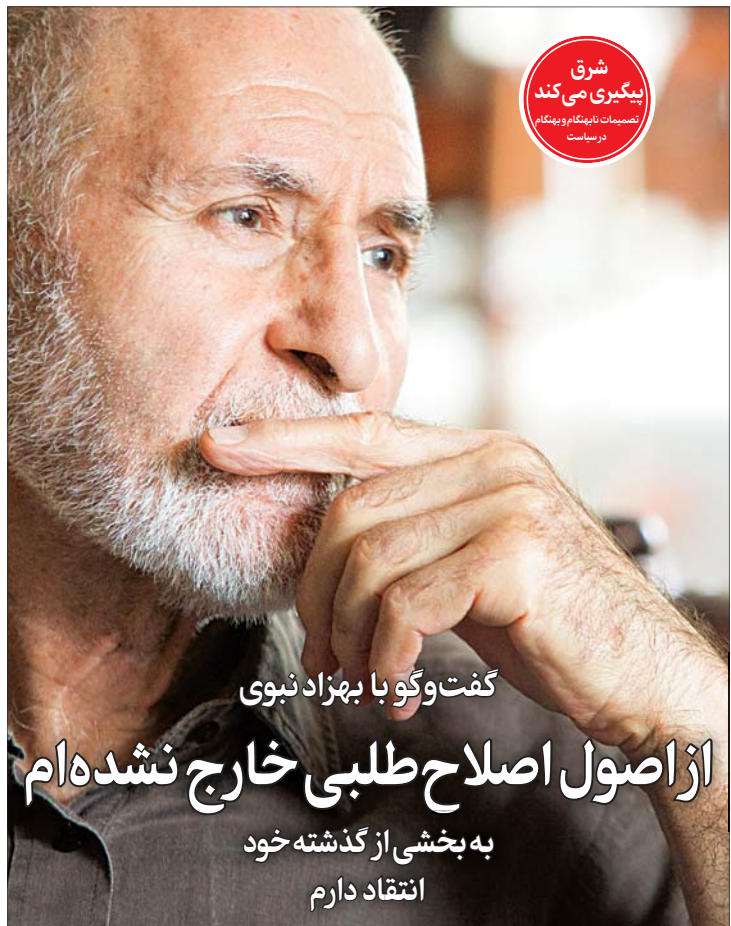
ادامه در صفحه ۴



کارشناسان درباره مصوبه سران ۳ قوه برای تأمین کسری بودجه هشدار می‌دهند

پیش‌خوری منابع دولت سیزدهم

صفحه ۴



گفت‌وگو با بهزاد نبوی

از اصول اصلاح‌طلبی خارج نشده‌ام

به بخشی از گذشته خود

انتقاد دارم

صفحه ۶

یادداشت

فساد و محاکمه مدیران ارشد بانکی



نعمت احمدی حقوق‌دان

به مراتب تعهد توان علمی و سوابق مدیریتی جناب‌عالی - به‌موجب این حکم به عنوان مشاور رئیس‌جمهور در امور پولی و بانکی منصوب می‌شوید. امید است با توفیق الهی در خدمت به ملت شریف ایران و نظام جمهوری اسلامی با رعایت اصول قانون‌مداری، اعتدال‌گرایی و منشور اخلاسی دولت تدبیر و امید موفق باشید».گرچه برای سابق بانک مرکزی را باید آغازی بر محاکمه همه معماران به‌مهریختگی اقتصاد امروز ایران دانست، یک سالی از نوسانات شدید ارزی می‌گذرد، در مرداد ۹۷ دستگیری وحید مظلومین، معروف به سلطان سکه و سپس بازداشت معاون ارزی بانک مرکزی، نوید این را می‌داد که مسئولان قضائی کشور سرچشمه تخلفات سازمان‌یافته ارزی را که باعث اخلاخ در نظام قضائی کشور می‌شود، این‌بار در کانون بانک مرکزی شناسایی کرده‌اند. ظاهراً اتهام آقای وحید مظلومین خرید سکه به مقدار زیاد بود، گرچه خرید یا فروش سکه به‌تنهایی نمی‌تواند جرم باشد، اما شیوه‌ای که وحید مظلومین را به کاوشدوق بانک مرکزی وصل می‌کرد، باید در همان مرداد ۹۷ مسئولان بانک مرکزی را پای میز محاکمه می‌کشاند. فعالان اقتصادی، دوران سیاه بانک مرکزی را زمان ریاست سیف می‌دانند. در این زمان بود که بانک مرکزی بازار خرید سکه را تحریک کرد و باوجود اینکه ادعا می‌شد بانک مرکزی آن اندازه طلا ندارد که در مقابل پیش‌فروش سکه بتواند با ضرب سکه بازار تحریک‌شده را اشباع کند، قیمتی که برای پیش‌خريد سکه ازسوی بانک مرکزی اعلام شد درهمان زمان نصف قیمت بازار بیرونی سکه بود. همین امر هم باعث شد عده‌ای در سایه حمایت مسئولان وقت بانک مرکزی چندین هزار سکه پیش‌خريد کنند. تب خرید سکه با اعلام بانک مرکزی وقتی بالا رفت، آقای سیف در سوم مرداد ۹۷ و در اوج آشفتنگی بازار ارز از ریاست بانک مرکزی استعفا داد و رسانه‌ها در آن تاریخ از کناره‌گیری یاد کردند! نمی‌دانم رئیس‌جمهور با چه منظوری باوجود اشراف به عملکرد مدبران بانک مرکزی در دوره ریاست سیف ایشان را در ۲۲ شهریور به عنوان مشاور رئیس‌جمهور در امور پولی و بانکی منصوب کرد؛ این انتصاب را فعالان بازار در واقع چتر حمایتی آقای روحانی از رئیس بانک مرکزی مستعفی خود تلقی کردند. محتوای حکم انتصاب آقای سیف هم سمت‌وسوی دار نبود: «جناب آقای دکتر ولی‌اله سیف -نظر

ادامه در صفحه ۲

رئیس‌ی به‌سازمان بازرسی‌دستور داد

نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها در زمینه حجاب

گروه سیاست: رئیس قوه قضائیه بر لزوم بازنگری دستگاه‌های مسئول در عمل به وظایف قانونی خود در زمینه حجاب و عفاف تأکید کرد و به سازمان بازرسی کل کشور دستور داد ضمن نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها در این زمینه، گزارش لازم را ارائه...

صفحه ۲

سال شانزدهم | شماره ۳۴۹۴ | ۱۶ صفحه | ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

تأمید معافیت ۵ پروژه‌هستای ایران

کوروش احمدی



دولت آمریکا چهارشنبه گذشته دو تصمیم مهم در ارتباط با ایران را اعلام کرد. تصمیم نخست یعنی اعمال تحریم علیه دکتر ظریف، تصمیم دوم را با وجود اهمیت آن تا حد زیادی تحت‌الشعاع قرار داد و موجب شد کمتر مورد توجه و بحث قرار بگیرد. تصمیم دوم که ساعتی بعد از تصمیم اول و توسط جان بولتون، مشاور امنیت ملی، اعلام شد، دایر بر تمدید معافیت پنج پروژه هسته‌ای در ایران از تحریم‌های آمریکا بود. واشنگتن‌پست یک روز قبل به نقل از منابعی در کاخ سفید گزارش داده بود که منوچین، وزیر خزانه‌داری آمریکا، موافق تمدید معافیت این پروژه‌ها بوده و در مقابل پمپئو، وزیر خارجه و بولتون خواستار لغو معافیت‌ها بوده‌اند. منوچین در دفاع از نظر خود گفته بود اگر این معافیت‌ها در تاریخ مقرر یعنی اول آگوست تمدید نشوند، آمریکا چاره‌ای جز تحریم شرکت‌های روسی، چینی و اروپایی که در پروژه‌های هسته‌ای در ایران فعال هستند، نخواهد داشت و به این دلیل به زمان بیشتری برای تهیه مقدمات لازم جهت مواجهه با آثار جنبی لغو معافیت‌ها نیاز دارد. به نوشته این روزنامه در نهایت ترامپ جانب منوچین را گرفت و پمپئو پذیرفت تا بعد از اعلام تصمیم به‌صورت علنی از آن حمایت کند. همچنین گفته شده همه حاضران در بحث‌های مربوطه علی‌الاصول با لغو این معافیت‌ها موافق بوده‌اند و در سررسید بعدی و متناسب با تحولات مربوط به ایران دراین‌باره تصمیم گرفته خواهد شد. تاریخ بعدی برای تمدید یا خاتمه این معافیت‌ها سه ماه بعد یعنی اول نوامبر است.

لازم به یادآوری است که آمریکا قبلاً در سوم می، دو معافیت از مجموع هفت معافیت را لغو کرده بود. این دو معافیت مربوط به صدور آب سنگین مازاد بر ۱۳۰ تن مجاز ذیل برجام به عمان و صدور اورانیوم غنی‌شده مازاد بر ۳۰۰ کیلوگرم به روسیه و مواضع آن با سنگ معدن اورانیوم بود. پنج معافیتی که آمریکا در آن تاریخ نسبت به تمدید آنها اقدام کرد، در ارتباط با فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران و امکان مشارکت کشورهای اروپایی و نیز چین و روسیه در این فعالیت‌هاست. این معافیت‌ها به اجرای پروژه‌هایی در نیروگاه بوشهر، تأسیسات فردو، مجتمع اراک و راکتور تحقیقاتی تهران مربوط می‌شوند. ذیل برجام، کشورها یادشده مجاز به همکاری با ایران برای پیشبرد فعالیت‌ها در این تأسیسات و نیز کمک به تبدیل تجهیزات مربوطه برای استفاده غیرنظامی هستند. اعتبار معافیت‌های آمریکا برای این فعالیت‌ها قبلاً ۱۸۰ روز بود که در سوم می اعلام شد که این دوره به ۹۰ روز (تا اول آگوست) کاهش یافته است. موافقت با تمدید این معافیت‌ها در حالی بود که ترامپ در اوایل جولای و بعد از افزایش مختصری در سطح غنی‌سازی در ایران در توییتی اعلام کرده بود «تحریم‌ها به‌زودی و به نحو عمده‌ای بیشتر خواهند شد». برخی این تهدید را نشانه تمدیدشدن معافیت‌ها تلقی کرده بودند. در یک ماه گذشته کشمکش‌ی غیرمحمسوس اما جدی درباره این معافیت‌ها در دولت ترامپ در جریان بوده است. دو طیف موافق و مخالف تمدید این معافیت‌ها در برابر هم صف کشیده‌اند؛ موافقان تمدید که در اصل حضور شرکت‌های بین‌المللی در فعالیت‌های هسته‌ای ایران موجب اطلاع از سیر امور و در نتیجه کاهش خطر اشاعه هسته‌ای نظامی در ایران خواهد بود. در مقابل طرفداران لغو این معافیت‌ها، از جمله ۵۰ عضو کنگره که نامه‌ای دراین‌باره در ۱۷ جولای به ترامپ نوشتند، مدعی هستند که اولاً در بستر سیاست «فشار حداکثری» حفظ این معافیت‌ها بی‌معنی است و ثانیاً این معافیت‌ها موجب مشروعیت برنامه هسته‌ای کنونی ایران است. در واقع مهم‌ترین موضوعی که در مرکز این بحث قرار دارد، حق ایران برای غنی‌سازی در داخل است. این پروژه‌های هسته‌ای در واقع با فرض اینکه غنی‌سازی در داخل انجام می‌شود، تهیه و در دست اجراست. ادعاهای اخیر برخی مقامات دولت ترامپ مبنی بر عدم‌شناسایی حق غنی‌سازی در ایران در مرکز این بحث قرار دارد؛

ادامه در صفحه ۱۵

صفحه ۲

عکس: رفوف رستنی

روایتی ظریف از تحریم ظریف:

یا ملاقات با ترامپ یا تحریم

در پاسخ به «شرق»: لازم باشد برای رفع توقیف نفت‌کش ایرانی به لندن سفر می‌کنم

یادداشت

ایالات متحده درگیر با اطراف خود

فروخت. منطقه شمال ایالات متحده هم مورد علاقه مهاجران اروپای شمالی بوده است، اگرچه امروز مورد پسند مهاجران چینی و کره‌ای قرار گرفته است. آمریکای مرکزی و بخش بزرگی از آمریکای جنوبی گرمسیر است و بخش قابل توجهی از مردم آن بومی‌اند و به دلیل فقر و بی‌کاری برای ورود غیرقانونی به ایالات متحده سرودست می‌شکنند. مبارزه ترامپ برای ساختن آسیای جنوب غربی بوده است، چنین شرایطی را شاید صدها بار تجربه کرده باشد. امید است یادداشت کنونی بتواند تصویر روشنی را از فرازوفرودهای قدرت در جهان با استفاده از مدل کنونی در قاره آمریکا ارائه دهد. بازگویی مدل تکرار رویدادها می‌تواند راهنمای خوبی برای زامداداران کنونی و آینده ایران برای تشخیص راه درست حکومت‌داری و همزیستی در منطقه پرچوش‌ورخوش آسیای جنوب غربی باشد. آنچه در ۳۰۰ سال گذشته در قاره آمریکا رخ داده است، همسانی شگفت‌انگیزی با رویدادهای چند هزار ساله در فلات ایران داشته است. نخستین مردمان فلات ایران در گذشته‌های بسیار دور، از آفریقا و سپس از دامنه کوه‌های هیمالیا و سرزمین‌های شرق ایران کنونی از جمله هند و آسیای مرکزی و چین و ماجین به ایران و سپس به سمت غرب، یعنی اروپای کنونی کوچ کرده‌اند. در این حرکت تدریجی، فرهنگ موسوم به هند و اروپایی شکل گرفته است. اما این حرکت رو به غرب ادامه یافته تا اینکه قاره آمریکا را هم دربر گرفته است. اروپایی‌هایی که از دوره کریستف کلمب به قاره آمریکا کوچ کرده‌اند عمدتاً از اروپای مرکزی و غربی بودند که مردم بی‌گناه و گرسنه آفریقا را تا دو هدف اصلی به آمریکا بردند: ۱- استفاده از آنها به صورت رایگان (برده) در مزارع وسیع آمریکا که موجب صرفه‌جویی در پرداخت دستمزد می‌شده است. ۲- مقابله با بومیان قاره آمریکا. در این فرایند، مهاجران اروپایی میلیون‌ها نفر از مردم بومی و مقاوم آمریکایی را که به خطا «سرخ‌پوست» نامیده می‌شدند، می‌کشند و زمین‌ها و دارایی‌ها از جمله ذخایر طلا و جواهرات آنها را تصاحب می‌کردند. آمریکا یک قاره بسیار گسترده است. شمال آن سردسیر است و از آلاسکا به سیرری می‌پیوندد. امپراتوری تزاری روسیه، آلاسکا را در سال ۱۸۶۷ به‌دلیل نیاز به پول نقد برای جنگ با انگلستان به پای ایرانی به ایالات متحده آمریکا

ادامه در صفحه ۴



احمد عظیمی‌بلوریان استاد پیشین مرلند